



سال ۱۶، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳

شماره پیاپی: ۴۴

مقاله پژوهشی: ۷-۱۹

<http://jjhjour.alzahra.ac.ir>

حواى دوم؛ واكاوى نسبت مريم با حوا در الهيات مسيحي و بازنمايي آن در آثار نقاشي^۱

محسن بدره^۲

صالحه خدادادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

چکیده

مسأله اصلی این پژوهش آنست که درونمایه «حواى ثانی دانستن مريم (ع)» چه نسبتی میان این دو شخصیت در الهیات مسیحی برقرار می‌کند و این نسبت، چگونه در هنر نقاشی بازنمایی شده است. روش این پژوهش، هم در تفسیر متون الهیاتی و هم در فهم نقاشی‌ها تحلیلی است و به فهم ترکیب‌بندی‌ها و کارکرد عناصر در آن‌ها نظر دارد. این مقاله نتیجه می‌گیرد که چنین مضمونی هم در الهیات مسیحی کاملاً ریشه‌دار و مکرر است و هم در هنر نقاشی مسیحی به وفور بازتاب یافته و ترسیم مريم به مثابه نقطهٔ مقابل حوا عنصر اصلی این درونمایه است؛ حوا و سوسه‌انگیز و برهنه و نافرمان است ولی مريم باکره، پوشیده و فرمانبردار است؛ حوا با گناه خود مرگ را برای نسل بشر می‌آورد و مريم رهگذر جاودانگی و حیات است؛ حوا کلمه شیطان را می‌شنود و آدم را به هبوط می‌کشاند ولی مريم آستن کلمه خداوند می‌شود و انسان را به ملکوت می‌رساند؛ حوا قرین مار به مثابه بازنمایندهٔ شیطان است و به فریب او سیب را می‌ستاند اما مريم مار را زیر پا دارد و نجات‌بخش است. همچنین طبق الهیات مسیحی، اگر حواى نخست گمراه‌کنندهٔ همسرش آدم شد، مريم نیز در کالبد حواى دوم، مادر و پرورندهٔ عیسی (ع) بود که برخی از مفسرین مسیحی از وی بعنوان آدم ثانی تعبیر می‌کنند؛ به تعبیری حواى اول و دوم بودن هر یک از این دو شخصیت زن، در سایه آدم اول و دومی است که یکی اسباب هبوط را فراهم می‌کند و دیگری با زایمان خود، آغازگر رستگاری می‌شود.

کلید واژه‌ها: حوا، مريم، حواى دوم، زن در مسیحیت، گناه نخستین

1. DOI: 10.22051/jjh.2023.43288.1958

۲. استادیار گروه مطالعات خانواده و زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، نویسنده مسئول. m.badreh@alzahra.ac.ir

۳. دکتری مطالعات زنان، دانشکده مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران. s.khodadadi72@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ انسانی با اینکه پویا و دگرگون‌شونده است، همیشه از شاکله‌ها و ساخت‌های بنیادین نظام‌های معنایی_ نشانه‌ای کهن، از جمله ادیان، تأثیری عمیق می‌گیرد. یکی از الگوهای معنایی_ نشانه‌ای که تقریباً در همهٔ ادیان و نظام‌های اسطوره‌ای فرهنگ‌ها و ملل یافت می‌شود، داستان شروع حیات انسانی بر روی زمین است که از آن به داستان آفرینش یاد می‌شود. یکی از منظرهای بررسی داستان‌های آفرینش، تصویرها و انگاره‌های مربوط به هر یک از دو جنس انسانی است؛ چون در این اسطوره‌ها گاه شروع حیات انسانی با پدر و مادر اولیه آغاز می‌شود. این تصویرها نظام معنایی_ نشانه‌ای روابط دو جنس را به گونه‌ای بسیار عمیق متأثر کرده‌اند و در ابعاد مختلف، انگاره‌های خاصی را درباره ارزش انسانی و ویژگی‌های هر یک از دو جنس و تأخر در گناهکاری و شیر بودن یا قربانی بودن آنها ترویج می‌کنند. در ادیان نوعی انسان‌شناسی ترسیم می‌شود که روایت متون مقدس از سرگذشت زوج نخستین، شاکله‌ای را در شناخت دو جنس و مناسبات آنها با خداوند و یکدیگر شکل می‌دهد که می‌توان از آن به الهیات سکسوالیته^۱ یاد کرد.

مسیحیت به مثابه یکی از ادیان بزرگ، به طور خاص از این منظر مورد مطالعه قرار گرفته است و اندیشمندان مسیحی و غیرمسیحی بسیاری درباره این بعد از الهیات آن نظروری نمودند. یکی از پرسامدترین درونمایه‌ها در این بررسی‌ها، نقش حوا در وسوسهٔ آدم و رخ دادن گناه نخستین و خروج آنها از بهشت است که اثر خود را در درازنای الهیات و فرهنگ و هنر مسیحی به وضوح بجا گذاشته است. بررسی همین درونمایه در الهیات و هنر مسیحی در پژوهش‌های حوزه زبان فارسی نیز به نحو قابل اعتنایی بازتاب داشته است. اما آگاهی از این درونمایه عهدینی، یعنی نقش مادر بشر در شقاوت نسل انسانی، اگر بدون شناخت نقش مریم در بازخریدن گناه حوا باشد، سبب فهم ناقصی از الهیات جنسی مسیحی، یعنی نسبت انسان مذکر و انسان مونث با همدیگر و با خداوند و ارزش و اثرگذاری هر کدام در سرنوشت‌های متفاوت دنیوی و اخروی بشر می‌شود. توضیح آنکه، اگر در

بررسی مقام زن در مسیحیت، تنها بر روی نقش وسوسه‌گر و شیرانه حوا در داستان آفرینش تمرکز کرده، و جایگاهی را که الهیات مسیحیت به حوا به مثابه واسطه رستگاری بشر داده است نبینیم، تصویر کلی از زن در این دین، تصویری غالباً شریر و منفی و مادون باقی ترسیم می‌شود. در اینجا است که ضرورت دارد، درونمایهٔ «مریم به‌مثابه حوای دوم» را بکاویم که بیان می‌دارد اگر حوا سبب خروج آدم از سعادت بهشتی شد و با خود مرگ و همه دشواری‌های زندگی دنیایی را به همراه آورد، مریم به مثابه مادر مسیح، یا «آدم ثانی»، واسطه رستگاری بشر و حیات جاودانی و برقراری ملکوت خداوندی شد. این درونمایه، در آثار نقاشی مسیحی بازتاب جدی داشته است و انگاره متداول آن، حضور مریم باکره است که مار وسوسه‌گر داستان حوا را زیر پای خود دارد.

پرسش اصلی این پژوهش اینست که الهیات مسیحی چه نسبتی را میان مریم با حوا برقرار کرده است و این رابطه چگونه در آثار نقاشی بازنمایی شده است؟ پرداختن به این پرسش، چنانکه در بالا نیز گفته شد، از آن جهت ضرورت دارد که تصویر کاملی از شأن و جایگاه زن در الهیات و فرهنگ و هنر مسیحی به‌دست داده شود؛ تصویری که نه چنان حوای عهد عتیق، شخصیتی ثانوی و شیرانه است و نه تماماً مانند مریم، مقدس و نجات‌دهنده. این تصویر، گونه‌ای از دو صدایی فرهنگ مسیحی درباره زن را منعکس می‌کند و می‌تواند زمینه مطالعات تطبیقی با فرهنگ‌های دیگر از جمله اسلام درباره جایگاه زن را فراهم کند.

پیشینه پژوهش

آثاری که در این بخش به عنوان پیشینه آورده می‌شوند، به دو شیوه سابقه مساله این پژوهش را در بر می‌گیرند؛ (۱) نوشتارهایی که سابقه این درونمایه در الهیات و فرهنگ را می‌کاوند؛ و (۲) پژوهش‌هایی که ضمن اشاره به سابقه الهیاتی این درونمایه، بازتاب آن در هنر نقاشی را توضیح می‌دهند. به همین ترتیب، به این آثار اشاره می‌شود:

نویسندگان مقاله، کتاب نویسنه قرن نوزدهمی، جان هنری نیومن (۲۰۰۹) «مریم؛ حوای دوم» را قدیمی‌ترین اثری یافتند که مستقلاً به بررسی این

درونمایه در الهیات مسیحی می‌پردازد.

راس مکنزی (۱۹۷۸) در مقاله «شهادت آبای کلیسا به حوای ثانی بودن مریم باکره» به ظهور و تطور این درونمایه در الهیات آبای قرون نخست مسیحی می‌پردازد.

هیملفارب (۱۹۹۹) در کتاب «مریم در رهگذر سده» در فصلی با عنوان حوای ثانی و تضمین انسانیت حقیقی مسیح به بررسی این درونمایه الهیاتی در تاریخ فرهنگ مسیحیت می‌پردازد.

روجیه یوسف آخرس (۲۰۱۹) در مقاله «مریم العذراء فی المیلاد بحسب مار أفرام السریانی؛ حواء الجدیة فی التکوین الثانی» همین درونمایه را در سرودهای افرام سریانی که یکی از بارزترین متالهین مسیحیت شرقی است می‌کاود.

بث ویلیامسون (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «باکره شیرده به مثابه حوای دوم: نگاره زن منجی» به بازتفسیر نقاشی مدونای فروتن و وسوسه حوا (۱۴۰۰ میلادی) اثر کارلو دا کامرینو نقاش ایتالیایی (نقاشی شماره ۶) می‌پردازد.

کالین بیچ (۲۰۱۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «کردارهای معکوس: شهوت گناه‌آلود و باکرگی رستگاری بخش در نگارگری حوای دوم» به تحلیل شماری از آثار نقاشی مربوط به اواخر سده‌های میانه می‌پردازد که در آنها، مریم و حوا در کنار یکدیگر به تصویر کشیده‌اند. این پژوهش را از آن جهت می‌توان نوآورانه دانست که اولاً تنها پژوهش فارسی است که مستقلاً به درونمایه حوای دوم بودن مریم می‌پردازد و ثانیاً به‌رغم پژوهش‌های ذکر شده در پیشینه که یا بر روی تفسیر این درونمایه در الهیات تمرکز کرده‌اند یا بر تجلی آن در یکی دو اثر هنری خاص، ضمن تبارشناسی آن در متون مقدس و تفاسیر عهدینی، تجلی آن در گستره‌ای از آثار نقاشی در شش سده گذشته را نیز شامل می‌شود.

روش پژوهش

روش این پژوهش تاریخی-تحلیلی است و گردآوری داده‌ها با کاوش در اسناد و آثار کتابخانه‌ای و گنجینه‌های هنری صورت گرفته است. این مطالعه به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول که ارتباط بین حوا و حضرت مریم(س) در دو منبع اصلی

عهد قدیم و عهد جدید واکاوی و تحلیل می‌شوند، تحلیل و توصیف صورت گرفته در سطح خرد صورت می‌گیرد زیرا مسئله مورد مطالعه در هر دو محور به ساختاری بزرگ تعلق دارد و میان ترکیب‌بندی ساختار و کارکردهای عناصر آن مشابهت‌های اساسی وجود دارد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در بخش دوم، وجود ریشه مشترک در منابع اصلی مورد مطالعه و نسبت دادن عناصری از نگاره‌های هنری به درونمایه‌ها و مفاهیم الهیاتی سبب می‌شود تا مقایسه صورت گرفته از نوع تبارشناسی باشد (همان، ۱۱۲). نمونه نقاشی‌های برگزیده و تحلیل شده در این پژوهش نیز از هنر اروپا، به طور ویژه از آثار نقاشان آلمانی و ایتالیایی در طول شش سده گذشته یعنی از سده‌های پانزدهم تا بیستم انتخاب شده‌اند. این نقاشی‌ها به لحاظ تاریخ، نمونه‌هایی از گستره زمانی هنر این شش قرن هستند و به هنرمندان نامدار تعلق دارند. ضمن آنکه، چنانکه در بدنه بحث نیز خواهد آمد، بعضاً مورد تمرکز و اهتمام مطالعات در این زمینه نیز بوده‌اند.

رابطه میان مریم و حوا در الهیات مسیحی

برای فهم نسبت میان این دو شخصیت، ابتدا باید از عهدین آغاز کرد. در عهد قدیم آمده است: «پس از خلقت آدم و همسرش، مار که از همه حیوانات مکارتر بود به حوا گفت: خداوند می‌داند روزی که از آن (میوه) بخورید چشمان شما باز می‌شود و مانند خداوند نیک و بد را تشخیص خواهید داد. زن دید که آن درخت دارای خوراک نیکو برای چشم‌ها، هوس‌انگیز است و برای معرفت‌دار شدن پسندیده است پس از میوه گرفت و خورد و به شوهرش هم داد» (عهدعتیق، سفرپیدایش، باب ۳، آیه ۱۳). خداوند هنگام محاکمه و مجازات آدم نیز پای حوا را به میان کشیده و به وی چنین خطاب می‌کند: «چون سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که فرمودم نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن رنج خواهی خورد» (همان، آیه ۱۸).

از دیدگاه کتاب مقدس گناه با زن (حوا) آغاز می‌شود. بدین شرح که این حوا بود که فریب شیطان را خورد و عصیان کرد، نه آدم و این حوا بود که آدم را فریب داد. نه شیطان. درواقع حوا هم فریب خورد و هم فریب داد. او بود که زمینه اخراج از بهشت، تبعید و هبوط به

زمین را برای آدم و خود فراهم کرد تا جایی که خداوند از خلقت بشر پشیمان شد، «خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیال‌های وی شرارت محض است و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت» (عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۶، آیه ۷).

اما تصریح به خطای حوا در کتاب مقدس، منحصر به عهد قدیم نیست و در عهد جدید نیز به صراحت آمده است. پولس^۲ در یکی از نامه‌های خود می‌گوید: «آدم اول ساخته شد و بعد حوا و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده و در تقصیر گرفتار شد. اما به زاییدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و تقوی ثابت بماند» (عهد جدید، رساله اول پولس به تیموتائوس، باب ۲، آیات ۱۲-۱۵).

و اما این خطیئه حوا، به مثابه یک درونمایه در گستره فرهنگ و ادبیات مسیحی بسیار بسط پیدا کرده است. میلتنون^۳ علت فریب‌خوردگی حوا را نافرمانی‌اش از توصیه آدم مبنی بر دوری از شیطان تحلیل می‌کند: «آدم (با گردش حوا به تنهایی) موافقت نمی‌کند، زیرا بیم داشت مبادا دشمنی حوا را به تنهایی بیابد و او را وسوسه کند. حوا رنجیده‌خاطر از این‌که به‌قدر کافی، عاقل و دانا نیست! اصرار می‌ورزد که برای کار روزانه، به‌تنهایی به نقطه‌ای دیگر برود. او میل دارد نیرو و قدرت خود را ثابت کند. سرانجام آدم تسلیم اصرار او می‌شود! مار حوا را به‌تنهایی می‌یابد و ...» (میلتنون، ۱۳۸۳: ۳۹). میلتنون در جایی دیگر از کتاب آدم خطاب به حوا می‌گوید: «ای تویی که همچون مار می‌نمایی، به‌راستی این نام، بیش از همه برازنده چون تویی است که با مار همدست شدی، تو نیز به‌اندازه او متقلب و مکار و نفرت‌انگیزی» (همان، ۴۲).

حوای عهد جدید در مسیحیت در مقایسه با یهودیت نقش مهم‌تری ایفا کرده است. گناه حوا محور تمام باورها و عقاید مسیحیان است، زیرا آنان معتقدند علت رسالت عیسی(ع) بر روی زمین ریشه در نافرمانی حوا در برابر پروردگار دارد. حوا مرتکب گناه شد و سپس آدم را فریب داد. ایشان گناه خود را برای تمام فرزندان‌شان به ارث گذاشتند و از این‌رو تمام انسان‌ها گناهکار متولد می‌شوند. خدا هم برای پاک کردن بشر

از گناه نخستین، مسیح را بر روی صلیب قربانی کرد. بنابراین حوا مسئول خطای خود، معصیت همسرش، گناه آغازین بشر و مرگ مسیح است. در واقع یک زن با عمل خویش موجب سقوط بشر شد. اعتقاد به نظریه «فدیه» که همان به صلیب کشیده شدن مسیح(ع) برای جبران گناه نخستین و نیز غسل تعمید از نتایج همین عقیده است (علی‌جان، ۱۳۹۸: ۳۴).

مسیح(ع) از دو طریق موفق به نجات و فرونشاندن خشم الهی ناشی از گناه اولیه حوا می‌شود، یکی از راه قربانی شدن بر بالای صلیب و دیگری از طریق اجرای مناسک شریعت. بنابراین وی برای پاک‌ی و رهایی انسان از گناه اولیه موروثی مانند «غسل تعمید» که موجب تطهیر جسمی و روحی انسان از گناه اولیه می‌شود، قرار داد. مسیح با تصلیب خویش، فدیه و کفاره گناهان حوا گردیده و دافع عذاب از فرزندان ذکور او می‌شود. اما زنان از عذاب الهی بر اساس نص آیات کتاب مقدس تا پایان تاریخ در امان نیستند. درد زایمان کفاره گناهان حوا است که زنان تا به قیامت به گردنشان است (طالبی، ۱۳۸۵: ب: ۴۹).

به هر حال، نجات یافتن فرزندان آدم از گناهی که سببش حوا بیان شده بود، به واسطه عیسی (ع) و از رهگذر مادرش اتفاق افتاده است. این اعتقاد که مریم (س) می‌تواند ضرری را که حوا بر اساس آموزه‌های مسیحی بر خلقت بشر وارد کرده، اصلاح کند ریشه در روایت سفر پیدایش دارد، از این‌رو در اینجا از باب تاکید نگاه مسیحی به خطای حوا مرور می‌شود و سپس به درونمایه حوای ثانی، یعنی شفاعت کردن مریم برای حوا می‌پردازیم:

پس از اخراج آدم و حوا از بهشت عدن، خدا مار را لعنت کرد و فرمود: «دشمنی در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد» (سفر پیدایش، باب ۳، آیه ۱۵). در ابتدا حوا تردید داشت که از درخت ممنوعه بخورد؛ چرا که حوا از سخنان الهی عدول کرد و تفسیری از خود به کلام الهی افزود که پروردگار ما را محدود به خوردن نکرده، بلکه تماس را نیز ممنوع ساخته است. بدین ترتیب، مار از گفته حوا سوء استفاده کرد و حوا را به طرف درخت ممنوعه هل داد تا با آن تماس بگیرد. زمانی که

حوا با درخت برخورد کرد، مار به او گفت: «دیدی، اتفاق رخ نداده است؛ بنابراین اگر از آن تناول کنی باز اتفاقی نمی‌فتد» (میرتبار، ۱۳۹۵: ۷۹).

ماجرای حوا در مسیحیت در واقع همان چیزی است که در آئین یهود بیان شده، با این تفاوت که مسیحیان نگاه منفی‌تری به حوا دارند (همان: ۱۴۲). در اینباره، اشاره به آرای دو تن از متألّهین مهم مسیحیت یعنی ترتولیان^۴ و آگوستین^۵ اهمیت دارد:

ترتولیان زنان را چنین نکوهش می‌کرد: آیا می‌دانید هر یک از شما یک حواست؟ محکومیت خدا این جنس را، که شما باید، تا به امروز پابرجاست. پس لازم می‌آید که گناه نیز همچنان باقی باشد. شما باب اهریمنید؛ شما شکنندگان مَهرِ درختِ ممنوعه‌اید؛ شما نخستین سرپیچندگان از قانون خدایی هستید؛ شما همان زنی هستید که مرد را که شیطان جرئت نداشت با او درفتد، از راه به در برید. شما آدم، این صورت خدا را خوار کردید. از همین خیانتگری شماست که حتی پسر خدا می‌بایست بمیرد (، In Armstrong, 1993, qtd. 124).

آگوستین نیز نظری همانند ترتولیان دارد و زنان را مایه ننگ بشریت می‌داند. آرمسترانگ در کتاب خود نظر آگوستین را چنین بیان می‌کند: «چه تفاوتی دارد؟ چه همسر باشد چه مادر؛ او همان حوای وسوسه‌گر است که در هر زنی هست و باید از او پرهیز کرد» (Ibid).

بررسی ابعاد گوناگون شخصیت مریم را ماریولوژی^۶ یا مریم‌پژوهی می‌نامند که در آن درباره وجود مریم، تولد و رشد او، باکرگی، خدازایی (مادر خدا بودن)، عروج و غیره بحث می‌شود. در حقیقت این چالش که آیا مریم مادر خداست یا نه، موجب شده که گفت‌گوهای زیادی در تاریخ کلیسا شکل بگیرد. کلیسای کاتولیک پرچمدار گفتگو در این زمینه است. تمام معجزات پیامبران به واسطه فیض الهی و با واسطه فرشتگان یا بدون واسطه رخ داد و هیچ کدام از پیامبران معجزاتی از جانب خویش نداشته‌اند؛ بنابراین، از نظر برخی مسیحیان، معجزه حضرت مریم، تولد فرزندی بدون پدر بوده است؛ زیرا تنها عامل انسانی دخیل در این معجزه، حضرت مریم بود. گفتگوهای مریم و جبرائیل و دیدار او با روح القدس بیانگر وحی‌هایی است که بر

او نازل شده است (حیدرزاده اصفهانی، ۱۴۰۰: ۲۴۷-۲۴۸).

آموزه‌های نخستین برای شناخت مریم (س) در متون اولیه و اعتقادات مسیحیان ریشه در بازتاب روایات عهد عتیق در عهد جدید دارد؛ از آنجا که در نامه پولس رسول، آدم (ع) به‌عنوان مثالی برای عیسی (ع) به‌کار رفته است (عهد جدید، نامه به رومیان ۵: ۱۵). عیسی مسیح با مصلوب شدن خود، پاک‌کننده گناه انسان‌ها قلمداد شده است. او آدم ثانی است. اقتضای خلقت الهی خداوند از همان آغاز، آدمی نو فراهم آورده است تا امید و قوت قلبی دوباره باشد (میرتبار، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

اما اندیشه حوای جدید در قرن دوم میلادی در باب مریم (س) مطرح می‌گردد. قدیس ژوستین^۷ و قدیس ایرنائوس^۸ از معتقدین به این تمثیل، مریم (س) را حوایی دانسته‌اند که برخلاف حوای اول که نافرمانی و مرگ را به‌وجود آورد، اطاعت از یگانه قدسی را پدید آورده است (بزرگی، ۱۴۰۰: ۴۸۸).

مفهوم مریم به مثابه نظیر حوا اولین بار، توسط جاستین مارتیر^۹ طرح شد. شاید این درونمایه که مارتیر در گونه‌شناسی آدم-مسیح طرح می‌کند و آن را از پولس گرفته است، اساساً متعلق به خود او باشد ولی ایرنائوس^{۱۰} این مقایسه را توسعه داد. هم جاستین مارتیر و هم ایرنائوس به گونه‌ای میان حوا و مریم موازات برقرار می‌کنند. (Ross Mackenzie, 1978)

ایرنائوس، در مقایسه مریم (س) و حوا می‌گوید: «حوای باکره، با نافرمانی خود، مرگ را برای خود و تمام نسل بشر آورد؛ اما مریم باکره، با اطاعت خویش، خود و تمام نسل بشر را نجات داد؛ بنابراین، مریم شفیع و مدافع حوا شد. همچنان که نسل بشر به‌وسیله یک باکره به مرگ محکوم شد، به‌وسیله باکره‌ای دیگر نجات می‌یابد. پس نافرمانی یکی با اطاعت دیگری جبران می‌گردد. ... آمبروز^{۱۱} می‌گوید: مرگ از طریق حوا، حیات از طریق مریم. ... شکوه دوست داشتنی انسان، که از طریق حوا از بین رفت، از طریق مریم به انسان بازگشت ... این مار بود که پاشنه حوا را زد و این مریم بود که مار را لگدکوب کرد.» (محمدیان، ۱۳۸۲: ۴۰۵) در ادامه به آرای برخی از متألّهین مهم مسیحی در این باره می‌پردازیم.

ترتولیان در کتاب خود مقایسه در خورتوجهی درباره حوا و مریم (س) انجام می‌دهد: «شیطان صورت و شباهت انسان با خدا را به اسارت خود درآورده بود؛ اما خدا آن را با عملی متقابل احیا نمود؛ زیرا کلام شیطان معمار مرگ بود و راه خود را با نجوا در گوش حوا، هنگامی که حوا هنوز باکره بود، پیدا کرد. در مقابل آن کلمه خدا که بانی نجات بود، می‌بایست به باکره‌ای عطا می‌شد تا آنچه توسط جنس زن نابود شده بود، توسط همان جنس به نجات احیا شود. حوا سخن مار را باور نمود و مریم هم به سخن جبرئیل ایمان آورد. یکی به واسطه باور کردن، گناهکار شد و دیگری با ایمان آوردن گناه را زدود؛ اما آیا حوا با سخن ابلیس به چیزی باردار نشد؟ مطمئناً چنین چیزی به وقوع پیوست؛ زیرا سخن ابلیس همچون بذری برای او بود، به طوری که بعد از آن وی مطرود گردید و با غم و اندوه می‌زاید. در واقع، او ابلیسی را به دنیا آورد که برادر خود را به قتل رساند؛ در حالی که مریم به دنیا آورنده کسی بود که نجات را برای قوم خود و برادری نیکو برای انسان‌ها را در رحم خود قرارداد تا خاطره برادر شریک را نابود سازد» (ترتولیان نقل در میرتبار، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

همچنان که حوا با گناه بزرگش نسل انسان را با واقعیت مرگ مواجه می‌کند، مریم با طاعتش زمینه رستگاری و جهانی نامیرا را فراهم می‌نماید. در اینجا وسوسه حوا در بهشت با بشارت مریم مقایسه می‌شود. مریم باکره متبارکی است که هم شنونده بشارت خداوندی است و هم مادر کلمه نجات بخش (Ross Mackenzie, 1978).

راس مک‌کنزی از جان کریسوستوم نقل می‌کند: «از آنجا که در بدایت شیطان حوا را که باکره بود فریفت، به همین سبب جبرئیل بشارت‌ها را به مریم آورد که باکره بود. ولی هنگامی که حوا فریفته شد، کلمه‌ای را فرا روی نهاد که علت مرگ بود؛ وقتی بشارت‌ها به مریم آورده شدند، او تنی را زاید که برای ما کلمه‌ی رقم‌زننده زندگی جاوید بود» (Chrysostom qtd. In Ross Mackenzie, 1978).

اپیفانیو^{۱۲} حوا را «نشانه‌ای از مریم» نامیده است، چون از نظر او حوا نیز، در باطن، «مادر زندگان است». «حوا علت مرگ نسل انسان بود و مرگ از رهگذر او به

جهان آمد. مریم علت زندگی بود و زندگی از رهگذر او برای ما حاصل شد» (Epiphanius qtd. In Ross Mackenzie, 1978). افرام^{۱۳} سریانی می‌گوید: «جلوه زیبا و مطبوع انسان‌ها به واسطه حوا خاموش شد؛ ولی به واسطه مریم این شکوه باز یافته شد (Ephrem qtd. In Newman, 2009, 18).

گاهی مریم شفیع عالم معرفی شده است؛ کسی که می‌تواند گناه حوا را بازخرد (Maunder, 2019: 198). در بخشی از ادبیات منظوم مسیحی، حوا مادر جسمانی و مریم مادر روحانی معرفی شده است (Ibid, 537).

مریم یک وجود آرمانی بود، نه تنها برای زن‌ها بلکه برای مردها نیز مثالی از یک زندگی مسیحی بود. مسیحیان می‌دانستند که با گناه دست و پنجه نرم می‌کنند ولی معترف بودند که مریم از پس این چالش برآمده است. مریم، بر خلاف پسرش، برای مسیحیان وجودی انسانی داشت و چیزی نمانده بود که به جای عیسی (ع) غایت انسانیت باشد. به تعبیری، پایان رشد روحانی این بود که فرد مسیحی مانند حوای ثانی باشد، به جای آنکه مانند آدم ثانی یعنی مسیح بشود (Ibid, 549). شاپان ذکر است، موازات شخصیت عیسی مسیح با آدم، و یادکرد از مسیح به عنوان آدم ثانی نیز یک درونمایه مرتبط و مکرر است. (Maunder, 2019: 31, 56-58, 60)

الهیات مسیحیت رفته‌رفته مریم را به مثابه «یار» و «همراه» مسیح خواند، چنانکه سفر آفرینش (باب ۲، آیه ۱۸) حوا را چنین برای آدم وصف کرده بود؛ او تنها مجرای تجسم خداوند -حسب اعتقاد مسیحیان- نبود بلکه فعالانه و آگاهانه در داستان رستگاری ایفای نقش کرد. و این امر، هم در شرق مسیحی مهم است و هم در غرب مسیحی (Ibid, 29).

از دیگر وجوه شباهت حوا با مریم (س) براساس باور مسیحی، شیوه بارداری آنان است؛ چنانکه حوا نیز همچون مریم (س) از کلام باردار می‌شود. ولی برخلاف او، حوا باردار کلمه شیطان می‌گردد (بزرگی، ۱۴۰۰: ۴۹۰).

سیار با ترجمه‌فرازی از انجیل یوحنا در داستان معجزه شراب، به خطاب عیسی (ع) نسبت به مادرش مریم (س) اشاره کرده است که با ترکیب «ای زن» بیان می‌گردد. در نظر شارحان اناجیل در این خطاب رازی

نهفته است که درواقع نمایانگر آموزه حوای جدید بودن مریم (س) است. وی می‌نویسد: «این نحوه غیرعادی ندا کردن فرزند به مادر در باب ۱۹ آیه ۲۶ (داستان صلیب در انجیل یوحنا) نیز تکرار می‌شود و در آنجا مفهوم آن به‌عنوان یادآوری پیدایش باب ۳ آیه ۱۵ تا ۲۰ (داستان زن به عنوان حوا و ابلیس) روشن می‌گردد، مریم حوای جدید است، "مادر زندگان"» (سیار، ۱۳۹۴: ۴۷۸).

: هبوط آدم (ع) با خطای حوا پیش آمد اما با تجسم دوباره حوا در صورت مریم (س) آدمیت بار دیگر به ملاعلا رفت و لذا در الهیات مسیحی مریم(س)، حوای جدید گردید که خدا را به عنوان بشر به زمین آورد و موجب رستگاری بشر شد و مجدداً بشر را به آسمان صعود داد، همچون که حوا، سبب هبوط آدم (ع) شد. (بزرگی، ۱۴۰۰: ۴۹۴)

نظر آبابی کلیسا درباره زنان، همانند آگوستین همواره آن بود که مریم، تریاقی در برابر و خنثی‌کننده خطای اوست. مریم، حوای دوم و جدید و جبران‌کننده سابقه بد حوای نخستین است، ولی در نهایت عرصه آموزه مریم‌شناختی به ناامیدی و سرگردانی و بدبینی در میان زنان انجامید و حربه‌ای به دست زن‌ستیزان داد (طالبی الف، ۱۳۸۵).

در عهد قدیم در سفر پیدایش، مربوط به زمانی که حوا در بهشت با فریب مار، از شجره ممنوعه خورد، چنین آمده است که خداوند گفت: «عداوت را در میان تو و زنت و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم» (باب ۳ آیه ۱۵). مفسران مسیحی منظور از «ذریت زن» در این آیه را حضرت عیسی و زن را مریم باکره معرفی می‌کنند. حضرت عیسی از مریم باکره متولد شد تا آن نافرمانی را که به‌واسطه مار به‌وجود آمده بود به همان شیوه‌ای که آغاز شده بود، پایان دهد؛ زیرا حوا که تا آن زمان باکره بود از سخنان مار فریفته شد و نافرمانی و مرگ را به دنیا آورد، اما مریم باکره هنگامی که جبرئیل، این بشارت سرورآمیز را به وی داد که روح خدا بر او خواهد آمد، از ایمان و شادمانی پُر شد. در حقیقت حوا که زن حضرت آدم و باکره بود، نافرمانی کرد و موجب مرگ خود و تمام نسل بشری شد. مریم نیز که نامزد یوسف بود و در عین حال باکره بود، با اطاعت خویش، خود و تمام نسل بشر را نجات

داد؛ بنابراین، اگر یک زن نسبت به خدا نافرمانی کرد، زن دیگری اطاعت را به‌جا آورد و مریم باکره، شفیع و مدافع حوای باکره گردید و همچنان که نسل بشر به-وسیله یک باکره به مرگ محکوم شد، به همین شکل به واسطه اطاعت باکره‌ای دیگر به تعادل رسید (حیدرزاده اصفهانی، ۱۴۰۰: ۲۴۸).

اما درونمایه حوای ثانی تنها موردتوجه متألّهین مسیحی نبوده است. برخی از فمینیست‌ها، مقایسه حوا و مریم در مسیحیت را نقد کرده و آن را واجد نحوه ای از زن‌نکوئی^{۱۴} دانسته‌اند. هیگز می‌گوید: «آنچه که انگ "بد" بودن به یک زن می‌زند، از زمان حوا تغییری نکرده است. همه متهمان معمول آنجا هستند: نافرمانی، شهوت، انکار، طمع، خشم، دروغ، زنا، تنبلی، بی رحمی، خودپرستی، بت‌پرستی». به‌عکس، صفات عکس این خصایص، در مریم هویدا هستند. یکی از وجوه نقادی این موازات میان حوا و مریم، قطبیده‌کردن الگوهای خوبی و بدی برای زنان مسیحی در جهانی است که با جهان اجتماعی کهن، بسیار تفاوت کرده است (Higgs, 2007: 4).

بازنمایی تأثیر رابطه مریم(س) و حوا در هنر نقاشی

تاریخ هنر مسیحی عمیقاً به نقش مریم در اناجیل وابسته است. در هنر مسیحی از قرون وسطی، نقاشی‌ها و تصاویر زیادی از مریم به‌جا مانده که او در نقش یک مادر، کودکش را در آغوش گرفته است و در چهره‌های متنوع با شادمانی و غرور نوزادش را به دیگران نشان می‌دهد. در برخی تصاویر نیز مریم، مادری است که از نگاهش پیداست که از سرنوشت کودکش با خبر است (هولم و بوکر، ۱۳۸۷: ۱۰۶). بنابراین مریم در تاریخ کلیسا، اعتقادات دینی مردم، هنر، موسیقی و ادبیات به‌عنوان یک شخصیت محبوب است (حیدرزاده اصفهانی، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

یکی از وجوه مهم بازنمایی شخصیت مریم که به مثابه طریقی برای برجسته‌سازی نقش او در تاریخ انسان نیز به کار گرفته شده است، مقارنه او با شخصیت حوا است. در این قیاس است که عظمت مریم در نگاه مسیحی در اوج خود قرار می‌گیرد. در اینجا، پس از اثری مختص "گناه حوا" برخی از آثار برجسته نقاشی

که نمایش دهنده چنین مقایسه ای است مورد تحلیل قرار می‌گیرند.



تصویر ۱- گناه (۱۸۹۳م) اثری از فرانتس فون اشتوک (۱۸۶۳-۱۹۲۸م)، موزه نو پیناکوتک مونیخ، آلمان. (URL1).

گرفتن سیبی در دهان خود مخاطب را متوجه داستان فریب حوا توسط مار می‌کند.



تصویر ۲- لقاح پاک (۱۷۶۷-۶۸م)، اثر جوانی باتیستا تیپولو ایتالیایی (۱۶۹۶-۱۷۷۰م)، موزه ملی پرادو، مادرید، اسپانیا. (URL2).

نقاش آلمانی، فرانتس فون اشتوک^{۱۵} در این اثر حوا را بدون هیچ ندامتی در چهره‌اش تصویر کرده است. همچنین نحوه برهنگی او تداعی کننده اغواگری است. حوا طوری در چنبره ماری قوی و سیاه قرار گرفته که مرز بدنش با مار در برخی از قسمت‌های نقاشی قابل تشخیص نیست. سر مار در کنار سر حوا چنان است که گویی حوا نه تنها واهمه‌ای ندارد بلکه هر دو در کنار هم آرام بوده و در عین حال، چهره تهاجمی مار سنگینی و عظمت گناهی زنانه را به مخاطب هشدار می‌دهد. نقاش نیز با انتخاب واژه گناه برای اثر خود مهر تاییدی بر نقش اصلی زن در گناه نخستین در عهدعتیق و منابع بعدی قرار داده است.

شمار قابل توجهی از نقاشان، از جمله نقاش ایتالیایی، جوانی باتیستا تیپولو^{۱۶} در نقاشی بالا، برای اثر هنری خود از عنوان لقاح پاک^{۱۷} استفاده کرده‌اند. نکته قابل توجه در تمام این آثار عناصر نمادینی است که تکرار شده است. در این آثار مریم(س)، بر بالای ماه ایستاده است در حالیکه یک پای خود را بر قسمت فوقانی ماری ازدهاگونه قرار داده است. ماری که با

اثر فوق به‌عنوان منتخبی از بین آثار با عنوان لقاح پاک، مریم (س) را با ردایی آبی که نشان از پاکی اوست و شاخه گل سوسن در دست فرشته وحی در گوشه سمت راست تصویر که نماد باکرگی وی است (دیگران زهرابیان، ۱۳۸۱: ۱۳)، در قالب پایان‌دهنده آثار گناه حوای نخست نشان داده است. همچنین بالای سر مریم (س) کبوتری است که در آثار هنری مسیحی نماد حضور جبرئیل برای لحظه بشارت به لقاح مریم (س) به عیسی(ع) است.



تصویر ۳- مریم مقدس و فرزند به همراه قدیسه آنا (۱۶۰۵-۱۶۰۶ م)، اثری از کاراواجو (۱۵۷۱-۱۶۱۰م)، گالری بورگز، رم، ایتالیا. (URL3).

در اثر فوق با نام مریم مقدس و فرزند به همراه قدیسه آنا، نقاش ایتالیایی کاراواجو^{۱۸} با سیاه کردن پس‌زمینه و در نتیجه حذف عناصر نمادین دیگر، ارتباط بین مریم (س) و داستان حوا را با صراحت بیشتری به تصویر کشیده است. مریم (س) در حالی پای خود را با شجاعت تمام بر سر مار تداعی‌گر داستان گناه نخستین قرار داده که فرزندش، حضرت عیسی (ع)، نیز در این امر مادر خود را همراهی می‌کند. در واقع تفاوت نقاشی فوق با مجموعه آثار لقاح پاک در این است که در این اثر مریم (س) از حالت آبستنی خارج شده و دلیل شهرت خود یعنی فرزندش را در میان بازوان خود برای به اتمام رساندن آثار نخستین گناه به مدد گرفته است.



تصویر ۴- لذت نفسانی و آرامش خاطر (حوا و مریم)، تاریخ نامشخص، اثری از فردینان مکس برت (۱۸۶۰-۱۹۲۱م)، آخرین نمایش، دوسالانه هفدهم شهر ونیز، آخرین محل نگهداری: یک مجموعه خصوصی در سوئیس. (URL4).

نقاش آلمانی، فردینان مکس برت^{۱۹} در این اثر با نام لذت نفسانی و آرامش خاطر، مریم (س) را بعنوان حوای ثانی در کنار حوای نخست در حالی به تصویر کشیده است که درخت مشهور داستان آدم و حوا میانشان قرار دارد. مریم (س) در حالی که ردایی آبی تمام بدن وی را پوشانده است در سمت راست تصویر با دستانی گره کرده و سری رو به آسمان منظره نیایشی روحانی را یادآوری می‌کند. این در حالیست که در سمت چپ نقاشی حوا کاملا برهنه بدون ابایی از نمایش تنانگی خود در حال چیدن میوه ممنوعه ایستاده است. همچنین مریم (س) با هاله مختصری از نور در اطراف چهره آرام خود واژه آرامش خاطر و حوا را لبخند شیطنت آمیز خود لذت نفسانی را بعنوان دو

واژه منتخب نقاش به وضوح نشان می‌دهند. اما در داستان مهم مریم (س) به‌عنوان حوای ثانی عنصر مهم دیگر مار است که در این اثر نیز در پایین نقاشی سر خود را در حالیکه نیش آن بیرون است به سمت حوای گنهگار گرفته است و انتهای همین مار نیز پایین قدم‌های مریم (س) قرار گرفته است.



تصویر ۵- درخت زندگی و مرگ در کنار حوا و مریم (۱۴۹۵ م)، اثری از برتولد فرترمر (۱۴۷۰-۱۵۰۱)، کتابخانه ایالتی باواریا، مونیخ، آلمان. (URL5)

در این نقاشی با نام درخت زندگی و مرگ در کنار حوا و مریم، اثر مینیاتوربست آلمانی برتولد فرترمر^{۲۰}، مانند اثر قبل، مریم (س) و حوا با کلیه عناصر نشان‌دهنده ارتباط این دو شخصیت با یکدیگر ترسیم شده است. در میانه تصویر، درخت مرگ و زندگی، با برگ‌های سبز و گل دیده می‌شود که در هنر مسیحیت نمادی برای بهشت و زندگی جاودانی است. (دیگران زهرابیان، ۱۳۸۱) در این اثر مار به‌عنوان نماد ابلیس و عامل فریب حوای طرح شده در کتب ادیان ابراهیمی، در حالیکه میوه ممنوعه را در دهان خود به سمت حوا گرفته است بین این دو شخصیت قرار دارد. در طرف چپ درخت، مریم با همان ردای محتشم آبی‌رنگی که معمولاً نقاشان برای وی ترسیم می‌کنند قرار دارد. مریمی که با دستان خود در حال قرار دادن نان مقدس در دهان مردی است که در پیشگاه وی زانو

زده است. در حالیکه علامت عیسی(ع) مصلوب بالای سر وی به عنوان میوه‌ای از درخت نماد زندگی و خیر کثیر برای بشریت تصویر شده است. به قرینه او، حوای برهنه در سمت راست درخت در حالیکه با دست راست خود در حال گرفتن میوه ممنوعه از دهان مار است و با دست چپ خود در حال گذاردن بخش دیگری از میوه ممنوعه در دهان مردی که در جلوی او زانو زده است قرار دارد، مجموعه‌ای به عنوان نماد مرگ بالای سر او میان شاخه‌های درخت قرار گرفته است. یک شخصیت دعوت به خیر می‌کند و دیگری مشغول اغوای شهوانی و شرارت شیطانی است. علاوه بر عناصر وصف شده، روبروی مریم(س)، فرشته‌ای وی را همراهی می‌کند در حالیکه در مقابل حوا مرگ با بدنی سیاه حاکی از عاقبت پذیرش دعوت به گناه از سوی حوا، نقاشی شده است. همچنین پایین درخت شخصیت دیگر داستان آفرینش، آدم(ع) با حالتی از پشیمانی بابت فریفته شدن از سوی همسر، مغموم نشسته است. گویا نقاش با ترسیم آدم(ع) مغموم، سعی در نمایش مصداق اولین قربانی دعوت به گناه توسط حوا دارد.



تصویر ۶- فروتنی مریم و وسوسه حوا (۱۴۰۰ م)، اثری از کارلو دا کامرینو (۱۳۶۵-۱۴۳۹ م)، موزه هنر کلیولند، مجموعه هولدن، اوهایو، آمریکا. (URL6)

در این نقاشی اثر کارلو دا کامرینو^{۲۱} با عنوان فروتنی مریم و وسوسه حوا، حوای برهنه با میوه ممنوعه در دستان خود، در حالیکه مار با چهره ابلیس به دور کمر و پاهای برهنه او پیچیده است هر دو به زیر ارگ مریم مقدس نقاشی شده‌اند. یک تحلیل ممکن آنست که گفته شود: در این اثر علاوه بر مار، حوای گنهگار نیز با پس زمینه کاملاً سیاه حاکی از عاقبت عملکرد وی، به زیر پای مریم(س) در حالیکه فرزندش عیسی(ع) را در آغوش گرفته است نقاشی شده که از این حیث بر شدت تضاد کثرت خیر و شر دو شخصیت تأکید قابل تأملی شده است.

اما ویلیامسون تحلیل بدیلی ارائه می‌دهد و در حقیقت می‌خواهد معانی زن‌نکوهانه و ضد زنی که از این نقاشی برداشت شده بود را نقد کرده و بازکاوی نماید. این نویسنده نتیجه می‌گیرد که «مقایسه باکره و حوا در این گروه از نقاشی‌ها صرفاً به معنای گناهکاری حوا و ربط دادن او به زنان میرای عادی نیست. بلکه نشان می‌دهد که گرچه او یک گناهکار میراست، ولی حالا توسط باکره رستگار شده است. این مجاورت دو زن نشان‌دهنده آنست که حوا علی‌رغم گناهش -البته، به خاطر گناهش- تجسم مسیح از رهگذر مریم را ضروری ساخته است. از این‌رو، این دو زن به مثابه بازیگران کامل‌کننده همدیگر در داستان رستگاری نشان داده شده‌اند. این نقاشی تأکید می‌کند گرچه گناه به واسطه یک زن وارد جهان شده است، ولی رستگاری را نیز یک زن به جهان آورده است» (Williamson, 1998).

تحلیل مهم دیگری درباره این نقاشی، مربوط به کالین بیچ است. او در کردارهای معکوس: شهوت گناه‌آلود و باکرگی رستگاری بخش در نگارگری حوای دوم برخی از آثار نقاشی مربوط به اواخر سده‌های میانه از جمله همین نقاشی کارلو دا کامرینو را تحلیل می‌کند که در آنها، مریم در حالتی محتشم نشسته و پایین پای او حوا دراز کشیده و تکیه داده است. او می‌گوید مناقشه مربوط به این نقاشی‌ها بر این متمرکز بوده است که آیا این نگارگری مریم را به مثابه نقطه مقابل حوا در نقش مادر باکره ترسیم می‌کند یا به مثابه شفیع و حوای ثانی. بیچ معتقد است حوا و مریم بر اساس جایگاه جنسی متضاد خود که در مرکز الهیات

«حوای ثانی» قرار دارد، به مثابه دو ضدّ ظاهر شده‌اند. او در این نقاشی‌ها، به مولفه‌های ترسیم شده برای حوا و یا حول او همچون ماری با سر زن، انجیر، و نحوه پوشش اشاره می‌کند. در مقابل، بازتاب مولفه‌های الهیات مریم‌شناختی مسیحی در ترسیم او به عنوان مادر و ملکه و باکره همیشگی را تحلیل می‌نماید (Bache, 2015, 1).

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که درونمایه «حوای ثانی دانستن مریم (ع)» هم در الهیات مسیحی کاملاً ریشه‌دار و مکرر است و هم در هنر نقاشی مسیحی به وفور بازتاب یافته است. ترسیم مریم به مثابه نقطه مقابل حوا عنصر اصلی این درونمایه است؛ حوا وسوسه‌انگیز و برهنه و نافرمان است ولی مریم باکره و پوشیده و فرمانبردار است؛ حوا با گناه خود مرگ را برای نسل بشر می‌آورد و مریم رهگذر جاودانگی و حیات است؛ حوا کلمه شیطان را می‌شنود و آدم را به هبوط می‌کشاند ولی مریم آبستن کلمه خداوند می‌شود و انسان را به ملکوت می‌رساند؛ حوا قرین مار به مثابه بازنماینده شیطان است و به فریب او سیب را می‌ستاند اما مریم مار را زیر پا دارد و نجات‌بخش است. اما این درونمایه، چنانکه در برخی نقاشی‌ها که مریم را به زمان حوا در باغ عدن و کنار درخت ممنوعه برده و حوا را بدون حس پشیمانی و نماد وسوسه ترسیم نموده‌اند، دیده می‌شود، حوا را مطلقاً منفی بازنماینده نشده و دست‌کم از دیدگاه برخی از تحلیل‌گران هنر مسیحی، عناصر دیگری هم دارد، مخصوصاً در برخی از نقاشی‌هایی که حوا را به زمان مریم آورده‌اند، مریمی که حالا ملکه‌ای محتشم است و کودک نجات‌بخش خود را در آغوش دارد، مادر زندگان شده و به‌گونه‌ای سبب رستگاری حوا نیز گشته است.

اینکه برخی ادعا کرده‌اند شخصیت حوا در الهیات مسیحی در مقایسه با الهیات یهودی، منفی‌تر بازنمایی شده است، ای‌بسا نشأت گرفته از قیاس وی با شأن بی‌همتای مریم (س) است؛ بدین‌سان که گذاشتن حوای اول در نقطه مقابل حوای ثانی که شخصیتی جلیل و سراسر خیر است، قطبیتی ایجاد می‌نماید که حوا در آن سراسر منفی و شریر جلوه می‌کند. اگر

تعبیر مادر زندگان برای توصیف مریم (س) متولد شد باید برای نقطه‌مقابل او وصف مادر مردگان هم زاییده می‌شد و چه کسی بهتر از حوا می‌توانست حامل این تعبیر باشد.

همچنین طبق الهیات مسیحی، اگر حوای نخست ابلیس همسرش آدم شد، مریم نیز در کالبد حوای دوم مادر و پرورنده عیسی (ع) بود که برخی از مفسرین مسیحی از وی بعنوان آدم ثانی تعبیر می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، در یک تحلیل رادیکال‌تر حوای اول و دوم بودن هر یک از این دو شخصیت زن، در سایه آدم اول و دومی است که یکی اسباب هبوط را فراهم می‌کند و دیگری با زایمان خود آغازگر رستگاری می‌شود. بنابراین زایش تعبیر اولین و دومین بودن حوا به علت همراهی هر کدام از زنان در کنار مردان مطرح کنارشان ترسیم شده است.

پی‌نوشت

- ¹ Sexuality
- ² Paul (5-64/65 AD)
- ³ John Milton (1608-1674)
- ⁴ Tertullian (155-220)
- ⁵ Augustine (354-430)
- ⁶ Mariology
- ⁷ Justin (100-165)
- ⁸ Irenaeus (125-202)
- ⁹ Justine Martyr
- ¹⁰ Irenaeus
- ¹¹ Ambrosius (339-397)
- ¹² Epiphanius (310-320-403)
- ¹³ Ephrem (306-373)
- ¹⁴ misogyny
- ¹⁵ Franz von Stuck
- ¹⁶ Giovanni Battista Tiepolo
- ¹⁷ Immaculate conception
- ¹⁸ Caranaggio
- ¹⁹ Ferdinand Max Bredt
- ²⁰ Berthold Furtmeyr
- ²¹ Carlo da Camerino

منابع

- بزرگی، سیدحسن (۱۴۰۰). *مریم آیت آفرینش*، قم: نشر ادیان.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). *روش تحقیق با تاکید بر علوم قرآن و حدیث*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- حیدرزاده اصفهانی، نسرين (۱۴۰۰). *تفسیر عهدجدید با تکیه بر آیات مرتبط با زنان*، تهران: کویر.

- Alijani, R. (2010), *Women in the scriptures: women in Christianity*, Tehran: Nashr-e Roshangaran va Muataleat Zanan, (Text in Persian).
- Armstrong, K. (1993). *A history of god : the 4000-year quest of judaism christianity and islam*. Alfred A. Knopf.
- Bache, C. (2015). *Inverse operations : sinful lust and salvific virginity in central italian imagery of the second eve*, MAdissertation submitted to Arizona State University
- Bozorgi, S.H., (2021). *Mary the sign of creation*, Qum: Nashr Adyan, (Text in Persian).
- Dikran Zahrabyan, A. (2002). Icons and symbols in Christian art. *Payman cultural quarterly (Faslnameh Farhangi Peyman)*, 20, 1-20, (Text in Persian).
- Epiphanius, *Adverms haereses*, 78:18; PG 42:729.
- Heydarzadeh Isfahani, N. (2021), *Interpretation of the New Testament based on verses related to women*, Tehran: Kavir, (Text in Persian).
- Higgs, L. C. (2007), *Bad Girls of the Bible: And What We Can Learn From Them*. Colorado Springs, CO: Waterbrook Press.
- Himmelfarb G. (1999). *Mary through the centuries*, Yale University Press.
- Masood Talebi, (2005). *The role of the Scriptures and the church authorities in the emergence of feminism* (part 2), *Women's Strategic Studies*, 8(31), 61-84.
- Masood Talebi, (2005). *The role of the Scriptures and the church authorities in the emergence of feminism* (part3), *Women's Strategic Studies*, 8(32), 41-80.
- Maunder C. (2019). *The oxford handbook of Mary (First)*, University Press.
- Milton, John, (2004), *Paradise Lost* (v.3), Translated by: Farideh Mahdavi Damghani, (3rd ed), Tehran: Nashr-e Tir, (Text in Persian).
- Mirtabar, S. M. (2015), *Examining the original sin in Abrahamic religions with a comparative approach*, (2nd ed.), Qum: Al-Mustafa International Research Center. (Text in Persian).
- Mohammadian, B., (2012), *Encyclopedia of the Holy Bible*, Tehran: Surkhdar, (Text in Persian).
- Newman J. H. C. (2009). *Mary : the second eve*. TAN Books. Retrieved March 24 2023, from <https://www.overdrive.com/search?q=4DC3FBAD-5547-405E-9C23-E43EABEB1824>.
- Pakatchi, A., (2012). *Research method with emphasis on Quran and Hadith sciences*, Tehran: Imam Sadiq University, (Text in Persian).
- دیگران زهرابیان، آدانا (۱۳۸۱). *نمادها و سمبول ها در هنر مسیحیت*، فصلنامه فرهنگی پیمان، سال ششم، شماره ۲۰-۱، ۲۰.
- روجیه، یوسف آخرس (۲۰۱۹). *مریم العذراء فی المیلاد بحسب مار أفرام السریانی؛ حواء الجدیة فی التکوین الثانی*، المجله الكهنوتیه، دوره ۴۹، ۱۷۱-۱۹۱.
- سیار، پیروز (۱۳۹۴). *عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم*، تهران: نی.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۴۷). *اصول ادبیات کودکان*، تهران: سروش.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- طالبی، مسعود (۱۳۸۵). *نقش کتاب مقدس و ارباب کلیسا در ظهور فمینیسم (قسمت سوم)*، مطالعات راهبردی زنان، سال هشتم، شماره ۳۲، ۴۱-۸۰.
- طالبی، مسعود (۱۳۸۵ الف). *نقش کتاب مقدس و ارباب کلیسا در ظهور فمینیسم*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال هشتم، شماره ۳۱، ۶۱-۸۴.
- علیچانی، رضا (۱۳۸۹). *زن در متون مقدس، زن در آیین مسیحیت*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- کامرانی، بهنام (۱۳۸۵). *تبار شناسی فرشته در نقاشی ایران، کتاب ماه هنر*، شماره ۹۵ و ۹۶، ۵۲-۶۵.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۹۳). *روانشناسی تربیتی*، تهران: سمت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲). *بحار الانوار*، تهران: اسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.
- محمدیان، بهرام (۱۳۸۲). *دایره المعارف کتاب مقدس*، تهران: سرخدار.
- میرتبار، سیدمرتضی (۱۳۹۵). *بررسی گناه نخستین در ادیان ابراهیمی با رویکرد مقایسه‌ای*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه بین المللی الصطفی (ص).
- میلتون، جان (۱۳۸۳). *بهشت گمشده*، ترجمه: ج فریده مهدوی دامغانی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: نشر تیر.

References

- Akhrass, R. (2019), *La Vierge Marie dans la Nativité selon Éphrem le Syrien. Nouvelle Évedans une nouvelle creation*, al-Majallat al-Kahnoutiyat (La revue sacerdotale, théologique, biblique, pastorale) 49, 2019, p. 171-191 (Text in Arabic).

- Ross Mackenzie, J. A. (1978). *The Patristic Witness to the Virgin Mary as the New Eve*. *Marian Studies*: Vol. 29, 67-78.
- Sayyar, P., (2015). *The New Testament is based on the Jerusalem Bible*. Tehran: Ney, (Text in Persian).
- Williamson B. (1998). *The virgin lactans as second eve: image of the "salvatrix"*. *Studies in Iconography*, vol. 19, 105–138.

URLs

- URL1: Franz von Stuck, Die Sünde, 1893, Bayerische Staatsgemäldesammlungen - Neue Pinakothek München <https://www.sammlung.pinakothek.de/en/art-work/ApL8qN7GN2> (Last updated on 13.11.2023)
- URL2: Giovanni Battista Tiepolo <https://www.museodelprado.es/en/the-collection/art-work/the-immaculate-conception/8da40987-dd6b-4bb3-ab0e-4210ecb6495e>. 17/11/2023
- URL3: Madonna and Child with Saint Anne: <https://borgnese.gallery/collection/paintings/madonna-of-the-palafrenieri.html> 17/11/2023
- URL4: Sensual Pleasure and Peace of Mind: https://www.kollerauktionen.ch/en/fachgebiete/gemaelde-des-19.-jahrhunderts/bredt_-ferdinand-max/. 17/11/2023
- URL5: Tree of Life and Death Flanked by Eve and Mary-Ecclesia: https://inpress.lib.uiowa.edu/feminae/DetailsPage.aspx?Feminae_ID=30970. 17/11/2023
- URL6: The Madonna of Humility and the Temptation of Eve: <https://www.clevelandart.org/art/1916.795>. 17/11/2023.

Second Eve: An Analysis of the Relationship Between Mary and Eve in Christian Theology and Its Representation in Paintig Works¹

Mohsen Badreh²

Saleheh Khodadadi³

Received: 2023-03-27

Accepted: 2023-12-05

Abstract

Although human culture is dynamic and changing, it is always deeply influenced by the fundamental structures and constructions of ancient symbolic-semiotic systems, including religions. One of the symbolic-semiotic patterns that can be found in almost all religions and mythological systems of cultures and nations is the story of the beginning of human life on earth, which is called the story of creation (Genesis creation narrative). One of the perspectives of examining the stories of creation is the images and ideas related to each of the two human sexes; In these myths, sometimes the beginning of human life begins with the first father or mother. These images have profoundly affected the symbolic-semiotic system of the relations between the two sexes and in different dimensions, they promote certain ideas about the human value and the characteristics of each of the two sexes and postponing sins and wickedness or victimhood. The narrative of the scriptures about the history of the first couple forms a framework for the knowledge of the two sexes and their relationship with God and each other, which can be referred to as the theology of sexuality. Christianity has been specifically studied from this point of view, and many Christian and non-Christian thinkers have commented on this aspect of its theology. One of the most frequent themes in these studies is the role of Eve in the temptation of Adam and the occurrence of the original sin and their departure from heaven, which has left its mark in the long history of Christian theology, culture, and art. Concerning the status of women in Christianity, if we focus only on the tempting and evil role of Eve in the story of creation, and do not regard the position that Christian theology has given to Eve as the mediator of human salvation, the general

¹DOI: 10.22051/jjh.2023.43288.1958

²Assistant Professor, Department of Family and Women's Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran, Corresponding Author. m.badreh@alzahra.ac.ir

³PhD of Women's Studies, Faculty of Women's studies, University of Religions and Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. s.khodadadi72@yahoo.com

image of women in this religion is often drawn as an evil, negative and inferior one. This is where it is necessary to explore the theme of "Mary as the second Eve" which states if Eve was the cause of Adam's departure from heavenly bliss and brought with her death and all the difficulties of worldly life, Mary as the mother of Christ, or "the second Adam", became the mediator of human salvation and eternal life and the establishment of God's kingdom. This theme has had a serious reflection in the works of Christian paintings, and its common image is the presence of the Virgin Mary, who has the tempting serpent of the story of Eve under her feet.

The main question of this research is: What relationship has Christian theology established between Mary and Eve and how is this relationship represented in paintings? Addressing this question is necessary because it gives a complete picture of the dignity and position of women in theology and Christian culture and art; An image that is not like Eve of the Old Testament, a secondary and evil character, nor like Mary, holy and savior. This image reflects the two voices of the Christian culture about women and can pave the way for comparative studies with other cultures, including Islam, concerning the place of women.

The method of this research is historical-analytical, and the data collection was done by searching the documents and works in the libraries and art collections. This study is divided into two main parts. In the first part, which examines the relationship between Eve and Saint Mary in the sources of the Old Testament and the New Testament, the analysis and description is carried out on a micro level because the problem under study belongs to a large structure in both axes, and there are basic similarities between the composition of the structure and the functions of its elements. In the second part, the existence of a common root in the main sources under study and attributing elements of artistic images to theological themes and concepts cause the carried-out comparison to be classified as a genealogical type. The samples of paintings selected and analyzed in this research were also selected from European art, especially from the works of German and Italian painters during the last six centuries, that is, from the fifteenth to twenty-first centuries. In terms of history, these paintings are examples of the period of the art of these six centuries and belong to famous artists.

This research can be considered innovative because, firstly, it is the first Persian research that independently deals with the theme of *Maryam being the second Eve*, and secondly, despite the research mentioned in the background, which either focuses on the interpretation of this theme in theology or on its manifestation in one or two specific works of art, in the present study in addition to its genealogy in the sacred texts and interpretations, its manifestation in the paintings of the past six centuries is also included.

This research comes to the conclusion that: the theme of "*Eve as the second Mary*" is deeply rooted and repeated both in Christian theology and abundantly reflected in the art of Christian painting. Depicting Mary as the opposite of Eve is the main element of this theme: Eve is tempting, naked, and disobedient, but Mary is a virgin, covered and submissive; With her sin, Eve brings death to the human race, and Mary is the conduit of immortality and life; Eve hears the word of the devil and drags man down, but Mary becomes pregnant with the word of God and brings man to the kingdom. Eve is the concubine of the serpent as a representative of the devil and steals the apple by his deceit, but Maryam tramples the serpent under her feet and is the savior. But this theme, as can be seen in some paintings that take Mary to the time of Eve in the Garden of Eden and next to the forbidden tree and depict Eve as a symbol of temptation and remorselessness, does not portray Eve as negative at all, and at least from the point of view of some analysts of Christian art, there are other elements, especially in some paintings that bring Eve to the time of Mary, who is now a mighty queen and holds her savior child in her arms and has become the mother of the living and in a way has caused the salvation of Eve.

The fact that some have claimed that the character of Eve in Christian theology is represented more negatively compared to Jewish theology, is probably derived from her comparison with the incomparable dignity of Mary, thus placing the first Eve in the opposite of the second Eve, who is a noble and all-good character, creates a polarity in which Eve appears completely negative and evil. If the term "Mother of the Living" was born to

describe Maryam (PBUH), the term "Mother of the Dead" should have been born for her opposite, and who could be the bearer of this term better than Eve? Also, according to Christian theology, if the first Eve became Adam's Satan, then Mary was the mother and nurturer of Jesus (PBUH) in the body of the second Eve, as some Christian commentators interpret Jesus as the second Adam. In other words, in a more radical analysis, the first and second Eve of each of these two female characters is in the shadow of the first and second Adam, one of whom provides the cause of the fall, and the other initiates salvation by giving birth. Therefore, the birth of the interpretation of Eve the First and the Second is drawn due to the companionship of each of the women next to the prominent men next to them.

Keywords: Eve, Mary, Second Eve, Woman in Christianity, Original Sin